

۷۷۰۳۶۱

## تحلیل حقوقی نام

نویسندگان:

زهرا علی اکبر نیشابوری

دکتر عباس میرشکاری

تهران، ۱۳۹۶

- سرشناسه : علی اکبر نیشابوری، زهرا، ۱۳۶۶ -
- عنوان قراردادی : ایران. قوانین و احکام  
Iran. Laws, etc.
- عنوان و نام پدیدآور : تحلیل حقوقی نام/ نویسندگان زهرا علی اکبر نیشابوری، عباس میرشکاری.
- مشخصات نشر : تهران: استاد شهریار، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۱۰۲ ص.
- شابک : ۱۷۰۰۰۰۰۰۰۸-۳۰-۸۸۲۳-۶۰۰
- وضعیت فهرست نویسی : فیا
- یادداشت : کتابنامه ص. ۶۲- ۱۵۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : نام‌های اشخاص -- وائس و مقررات -- ایران
- موضوع : Names, Personal -- Law and Legislation -- Iran
- موضوع : ثبت احوال -- ایران
- موضوع : Registers of births, etc. -- Iran
- شناسه افزوده : میرشکاری، عباس، ۱۳۶۴ -
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ت ۳/ع ۸/۵۲۰ KMH
- رده بندی دیویی : ۵۵/۳۴۶
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۰۶۳۱۹

## تحليل حقوقى نام

نویسنه دان: رهرا على اكبر نيشابورى - دكتر عباس ميرشكارى

ناشر: استاد شهر دار

چاپ و صحافى نس

نوبت چاپ: اول - ۱۰۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قيمت: ۲۰ هزار تومان

شابك: ۹۷۸-۶۰-۸۸۲۳-۳۰-۸

تلفن تماس: ۸۸۳۶۸۷۲

## فهرست مطالب

|    |       |                                                   |
|----|-------|---------------------------------------------------|
| ۱۱ | ..... | مقدمه                                             |
| ۱۹ | ..... | فصل نخست: مفهوم نام                               |
| ۲۰ | ..... | مبحث اول: تعریف تاریخچه و ساختار نام              |
| ۲۰ | ..... | گفتار اول: تعریف نام                              |
| ۲۱ | ..... | گفتار دوم: تاریخچه نام                            |
| ۲۴ | ..... | گفتار سوم: ساختار نام                             |
| ۲۴ | ..... | بند الف: متغیرهای ساختار                          |
| ۲۷ | ..... | بند ب: متغیرهای فرهنگی                            |
| ۲۷ | ..... | مبحث دوم: اقسام نام و مقایسه با نهادهای مشابه     |
| ۲۷ | ..... | گفتار اول: اقسام نام                              |
| ۲۸ | ..... | بند الف: نام کوچک                                 |
| ۲۸ | ..... | بند ب: نام خانوادگی                               |
| ۳۰ | ..... | گفتار دوم: مقایسه نام با نهادهای مشابه            |
| ۳۰ | ..... | بند الف: لقب                                      |
| ۳۳ | ..... | بند ب: کنیه                                       |
| ۳۴ | ..... | بند ج: تخلص                                       |
| ۳۵ | ..... | بند د: اسم بازرگانی                               |
| ۳۷ | ..... | بند ه: علامت بازرگانی                             |
| ۳۹ | ..... | بند و: برند                                       |
| ۴۲ | ..... | مبحث سوم: کارکرد نام                              |
| ۴۲ | ..... | گفتار اول: کارکرد نمادین نام (نام به سان یک نماد) |

- بند الف: نام یکی از محورهای منظومه فرهنگی ..... ۴۴
- بند ب: نام و طرفین درگیر با آن (سوژه‌ها و ایزه‌ها) ..... ۴۷
- بند ج: نام در منابع ادبیاتی ..... ۴۸
- گفتار دوم: کارکرد تاریخی (تبار شناسی) ..... ۴۹
- گفتار سوم: کارکرد اجتماعی ..... ۵۰
- بند الف: تاثیر مسائل اجتماعی بر حقوق ..... ۵۱
- بند ب: بررسی آداب و رسوم ایرانیان در انتخاب نام ..... ۵۲
- بند ج: بررسی گرایش‌های ایرانیان در انتخاب نام ..... ۵۳
- گفتار چهارم: کارکرد روانی ..... ۵۷
- گفتار پنجم: کارکرد حکومتی نام ..... ۶۰
- بند الف: نام مهندسی فرهنگی ..... ۶۲
- بند ب: هاب: ماهیسی فرهنگی با اصل اباحه ..... ۶۴
- گفتار ششم: کارکرد نسبت نام ..... ۶۵
- بند الف: تناسب نام با مناسبت جنسیت ..... ۶۶
- بند ب: نقش زنان در انتخاب نام کوچک فرزندان ..... ۶۶
- بند ج: نام خانوادگی زنان پس از راج ..... ۷۰
- گفتار هفتم: کارکرد ارتباطی نام ..... ۷۱
- بند الف: ارتباط نام و حریم خصوصی ..... ۷۳
- بند ب: اطلاعات هویتی اشخاص به مثابه حریم خصوصی ..... ۷۵
- مبحث چهارم: حق بر نام ..... ۷۶
- گفتار اول: غضب نام ..... ۷۹
- گفتار دوم: بررسی حق بر نام از منظر حقوق بشری ..... ۸۱
- گفتار سوم: بررسی حق بر نام از منظر اخلاق ..... ۸۳
- گفتار چهارم: بررسی حق بر نام از منظر فقهی ..... ۸۴
- فصل دوم: تعیین و تغییر نام ..... ۸۷
- مبحث اول: تعیین نام ..... ۸۷
- گفتار اول: تعیین نام کوچک از نظر ماهیتی ..... ۸۸
- بند الف: ارتباط اصل اباحه با تعیین نام ..... ۹۰

|     |                                                              |
|-----|--------------------------------------------------------------|
| ۹۲  | بند ب: ویژگی‌های نام کوچک                                    |
| ۹۴  | بند ج: ارتباط تعیین نام با نظریه سوء استفاده از حق           |
| ۹۶  | گفتار دوم: تعیین نام خانوادگی از نظر ماهیتی                  |
| ۹۸  | بند الف: استفاده اولاد نامشروع از نام خانوادگی پدر طبیعی     |
| ۹۹  | بند ب: استفاده از نام خانوادگی آزاد                          |
| ۱۰۱ | بند ج: ارتباط میان نهاد سرپرستی و هویت سجلی کودک             |
| ۱۰۵ | بند د: تعیین در رابطه با کودکان متولد از رحم جایگزین         |
| ۱۰۶ | گفتار سوم: تعیین نام کوچک و نام خانوادگی از نظر شکلی         |
| ۱۰۸ | بند الف: مقام تعیین کننده نام کوچک                           |
| ۱۰۹ | بند ب: تعیین کننده نام خانوادگی                              |
| ۱۰۹ | مبحث دوم: تغییر نام                                          |
| ۱۱۰ | گفتار اول: تغییر نام کودک از نظر ماهیتی                      |
| ۱۱۱ | بند الف: مبانی تغییر نام                                     |
| ۱۱۷ | بند ب: شرایط ماهوی تغییر نام کوچک                            |
| ۱۲۲ | گفتار دوم: تغییر نام خانوادگی از نظر ماهیتی                  |
| ۱۲۳ | بند الف: ارتباط تغییر نام با حقوق اشخاص ثالث                 |
| ۱۲۶ | بند ب: حمایت حقوق کامن لو از اشخاص ثالث، در فرآیند تغییر نام |
| ۱۲۶ | گفتار سوم: تغییر نام کوچک و نام خانوادگی از نظر شکلی         |
| ۱۲۶ | بند الف: نهاد درخواست کننده تغییر نام                        |
| ۱۳۰ | بند ب: مرجع صالح از نظر ذاتی و محلی در ارتباط با تغییر نام   |
| ۱۳۳ | بند ج: ویژگی‌های حکم دادگاه مبتنی بر تغییر نام               |
| ۱۳۵ | یافته‌های تحقیق و ارائه پیشنهادات                            |
| ۱۴۱ | نمونه آراء در زمینه تغییر نام کوچک                           |
| ۱۴۹ | دستورالعمل مربوط به تغییر نام کوچک مصوب ۹۰/۱۱/۲۹             |
| ۱۵۳ | دستورالعمل مربوط به تغییر نام خانوادگی مصوب مهرماه ۸۰        |
| ۱۵۹ | فهرست منابع                                                  |

## مقدمه

بدون شک مبحث نام و نام‌گذاری از مباحثی است که در حوزه حقوق و فرهنگ از اهمیت اساسی برخوردار است؛ چرا که از جمله پدیده‌هایی است که معمولاً از بدو تولد انسان همراه با وی آغاز می‌کند و عمدتاً تا پایان عمر او هم در کنارش ماندگار است و به عبارتی از جمله پدیده‌های نادری است که چسبیده و وابسته به انسان است و از واحدی جدا شده‌ای نیست. هویت و کلیت انسان تلقی می‌شود و به نوعی به عنوان ستون فقرات و جریحه‌های انسان مطرح می‌شود؛ نامی که عمدتاً پدر و مادر آن را برای فرزند انتخاب می‌کنند و دیگران نیز او را بدین نام می‌خوانند.

تحلیل حقوقی نام یکی از مباحثی است که از نظر نگارنده پرداختن بدان امری ضروری و قطعی است. چرا که با آنکه این عنصر، یک پدیده فرهنگی است اما به شدت با سایر حوزه‌ها از جمله حوزه حقوقی که رشته تحصیلی نگارنده است گره خورده است و نهادهای مختلف حقوقی و قوانین گوناگون و پراکنده صحبت‌ها و مواضعی را نسبت بدان دارند. بدیهی است که موضع‌گیری در مورد سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان حقوقی تأثیر مستقیمی بر روی این عنصر فرهنگی دارد. بایستی اگر قرار باشد سیاست‌گذاری در آن صورت پذیرد بسیار ضابطه‌مند و بر اساس اصول عقلانی و نه احساسی صورت پذیرد و روشن است که نظریات دانشمندان علوم اجتماعی و فرهنگی، روان‌شناسان و... می‌تواند در این عرصه راهگشا باشد و علم حقوق در اینجا بایستی همکاری صمیمانه‌ای با سایر علوم و رشته‌های انسانی داشته باشد و به دنبال یک رویه وحدت بخشی باشد تا نتایج و خروجی‌های آن که در قالب قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، همایش‌ها و... است همچنان متصف به صفت فاخر بودن و متعالی بودن باشد و بسته و تاریک عمل نکند، در همین راستا می‌توان بیان کرد که بسیاری از حوزه‌ها در عالم مطالعات حقوقی مغفول و مظلوم مانده است و یکی از

این حوزه‌ها مباحث مربوط به حقوق اشخاص و صاحبان و دارندگان متعلقات مادی و معنوی است؛ مبحث نام هم از جمله قلمروهای تقریباً ناشناخته‌ای است که مربوط به حقوق اشخاص می‌باشد و امری مهم و اساسی در حیات اجتماعی آن‌ها تلقی می‌گردد و مطلوبیت آن به عنوان نخستین نماد فرهنگی و اجتماعی از نظر فرم و محتوا می‌تواند بسیار در کیفیت زندگی صاحبان و دارندگان اصلی آن‌ها تاثیر گذار باشد؛ در همین راستا علم حقوق نیز می‌تواند در این امر بسیار نقش آفرینی کند و با در نظر گرفتن تدابیری همچون به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های شهروندی در انتخاب نام، پذیرش تنوع طلبی‌های مشروع اشخاص جامعه، پذیرش دامنه دار بودن و گستره فراوان نام‌های ما، عدم مهندسی فرهنگی در این زمینه و عدم هدایت و تشویق اشخاص جامعه به سمت سوء انتخاب برخی نام‌ها، عدم تزریق بودجه در این امر، به رسمیت شناختن تغییر نام از سوی اشخاص جامعه هر چند یکبار و با در نظر گرفتن ضوابط و چهارچوب‌های عقلانی، رعایت حریم خصوصی اشخاص انتخاب کننده و تغییر دهنده نام، مرجع صالح در این زمینه و... در پی سازی حقوق بنیادین افراد تاثیر گذار باشد و دیگر این گونه مباحث به عنوان موضوعات غریب در محافل علمی مطرح نگردد و حقوق مربوط به صاحب حق و جایگاه آن بی‌اهمیت گردد؛ در واقع می‌توان گفت که احساس نارضایتی شهروندان نسبت به اسامی که به آن هستند، روایت زنده‌ای است که با مشاهدات میدانی و آمار فراوان درخواست کنندگان تغییر نام می‌توان به این نتیجه رسید که متأسفانه یکی از نیروهای سازنده حقوق یعنی جامعه‌شناسی در تدوین و نگارش قوانین در این زمینه در نظر گرفته نشده است، به خصوص قلمروی خاصی از جامعه‌شناسی یعنی جامعه‌شناسی احساس که در این امر یعنی پدیده نام و نام‌گذاری حکم فرماست. در نظر گرفتن حوزه مطالعاتی جامعه‌شناسی احساس و تبیین و توجه به آن در سایر فضاها علمی از جمله حقوق که در واقع همان رویکرد میان رشته‌ای است، می‌تواند علاوه بر ارتقای نشاط و تحقق حقوق بنیادین فردی، نسبت کنش‌های احساسی انسان‌ها را با ساختارهایی که سازنده آن علم حقوق است افزایش دهد و در نتیجه چنین تلفیقی، مرکب نوازی در ارکستر سمفونیک حقوقی جامعه علمی ما پدید آید؛ به عبارتی دیگر نام و نام‌گذاری هم از جمله مقولاتی هستند که دارای چندین بعد می‌باشند و بعد زیبایی شناختی و کارکرد تزئینی آن به دلیل اینکه مبنا و معیاری برای

تمییز و هویت یابی افراد است بسیار برجسته تر از سایر ابعاد است. بنابراین بدیهی است که سلیقه‌ی افراد هم در انتخاب نام چه در مرحله تعیین از سوی والدین و چه در مرحله تغییر هنگامی که فرد به اهلیت استیفا می‌رسد متفاوت است و این تفاوت و تنوع بایستی به شدت از سوی مراجع ذی ربط و نهادها لحاظ و درک گردد و این نیاز مهم قربانی گذشته‌گرایی و واپس‌گرایی به بهانه‌های واهی غرب زدگی و رنگ باختگی جامعه نگردد. همچنین برای تحقق چنین مرکب نوازی که خود تلفیقی از رستم‌ها و آهنگ‌هاست بایستی از سایر دستاوردها، عقاید و برداشت‌ها استفاده نمود و از آن‌ها نه‌رساند. و تعیبات جامعه و نیازهای آنان را درک نمود؛ ملاحظه می‌شود بسیاری از حقوق‌دانان بزرگ معتقدند که حقوق را باید در واقعیات زندگی اجتماعی جست؛ آبشخور حقوق، جامعه است و سرچشمه قواعد حقوقی اگر بخواهیم پاکیزه باشد، ضرورت‌های اجتماعی است و موازین حقوقی به ویژه در رابطه با حقوق اشخاص بایستی از حالت تقدس و جمع خارج شده و هنجارها رنگ زمینی و تجربی و مادی به خود گیرند و از آسمان به زمین فرود آیند. اضافه نمودن چاشنی جامعه‌شناسی و روانشناسی در مقررات ثبت احوال می‌تواند در این امر مهم راهگشا باشد؛ چرا که احتمالاً تعارضات میان اصول و سیاست‌های علم حقوق با سایر حوزه‌های علوم انسانی باعث سوءظن و بدبینی شهروندان جامعه می‌گردد. سطحی گرفتن تمایلات ذاتی شهروندان جامعه از سوی قوانین، مقررات، اجزا و نهادها و مختلف نهادهای متولی باعث دلسردی آنان می‌گردد و بهتر است که آنان، ساز، زینت احوال را که رسالت اصلی آن ثبت احوال شخصیه آحاد جامعه است و به نوعی با دستور اسناد و اوراق رسمی منعکس‌کننده‌ی تابعیت و هویت افراد است، مأمور پناهنده خود برای پاسخ‌گویی به نیازها و تنوع طلبی‌های مشروع و مجاز اجتماعی تلفی کنند؛ چرا که گاهی در مبحث نام‌گذاری که عمدتاً از سوی والدین من باب ولایت اعمال می‌گردد، مصلحت مولی علیه در نظر گرفته نمی‌شود و مقوله غبطه در این حیطة رعایت نمی‌گردد؛ بنابراین به رسمیت شناختن حق تغییر و همگام شدن با سایر سیستم‌های مدرن حقوقی می‌تواند به غنای حقوق اشخاص منتهی گردد؛ به خصوص که امروزه با وجود

فناوری اطلاعات و دولت الکترونیک دغدغه‌ای برای حاکمیت مبنی بر شناسایی اشخاص جامعه وجود ندارد و شناسایی شهروندان جامعه از راه‌های دیگری از جمله کد ملی و کد پستی امکانپذیر است و قوانینی وجود دارد که منحصر این طرق شناسایی را پیشبینی نموده که به صورت مفصل در متن و بدنه پژوهش بدان پرداخته خواهد شد.

ضمن آنکه نمونه‌هایی از آراء قضایی و دستورالعمل در زمینه تغییر نام وجود دارد که به پیوست تقدیم می‌گردد.

### پیشینه تحقیق

متأسفانه علی‌رغم اهمیت و حساسیت ویژه‌ای که دارد سوابق پژوهش و منابع مطالعاتی در رابطه با آن بسیار اندک است و گویا هنوز برای بسیاری از پژوهشگران این پدیده تبدیل به مسأله و دغدغه نبوده است؛ این در حالی است که جامعه نسبت به این پدیده فرهنگی مدت هاست حساسیت مایه‌ای نشان می‌دهد و به تازگی هم اشخاص جامعه پردازش‌های و موضع‌گیری‌هایی متفاوت نسبت به رویه‌های سازمان ثبت احوال دارند. بنابراین واضح است که در این زمینه نه‌تنها هم‌گرا بودن حقوقی پیشرو نبوده و ضرورتی برای وارد شدن به این میدان و قلمرو را برای خود احساس نکرده و اهمیت حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، روانی و... را نادیده گرفته و متأسفانه از آن غافل هستند. هرچند که شاید یکی از دلایلی که باعث کمتر اهمیت دادن اندک‌اندک به این حوزه‌های مختلف علوم انسانی نسبت به این عرصه شده است، ویژگی بلند مدت بردن این پدیده و عمدتاً ثبات در آن است که احتمالاً این حالت ایستایی کمتر جذابیت در دانشوران ایجاد می‌کند. هر چند که این کم محلی یا بعضاً بی محلی از سوی دانشوران حقوقی تا بنای پیش رفته است که حقوق مربوط به اشخاص که خود قلمرویی است که مبحث نام و متعلقات آن جزئی از آن به حساب می‌آید تنها در یک ترم در دانشکده‌های حقوق بررسی و تحلیل می‌شود. در همین راستا یکی از علت‌های مهم تحقیق در این زمینه و دغدغه نگارنده نسبت بدان، این امر است که معمولاً در تحقیقات و پردازش‌های حقوقی به موضوع حق نگریسته می‌شود و به مطالعه نسبت به صاحب و دارنده حق کمتر پرداخته می‌شود؛ هرچند پردازش‌هایی در این زمینه در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه توسط برخی

حقوقدانان و جامعه‌شناسان داخلی صورت گرفته است. کتاب‌های حقوق ثبت احوال، تبارشناسی قانون ثبت احوال و مسئولیت مدنی کارمندان ثبت احوال در زمینه حقوقی و چهارپژوهش در جامعه‌شناسی فرهنگ در زمینه‌ی اجتماعی از جمله مهم‌ترین کتب در زمینه تحلیل نام هستند. مقالات حقوقی هم در این زمینه وجود دارد که به مباحثی از جمله تعیین و تغییر نام پرداخته‌اند. اما به هر جهت پایان‌نامه‌ای در این زمینه در عالم حقوق به چشم نمی‌خورد؛ در رابطه با منابع خارجی هم بایستی گفته شود که پایان‌نامه‌ها و تاللات حقوقی متعدد در این زمینه وجود دارد، هر چند که بیشتر به نام خانوادگی زن پس از ازدواج و مسائل مربوط به آن پرداخته شده است.

#### اهمیت تحقیق:

همان‌طور که در طرح مسأله هم بیان شد، به دلیل اینکه بحث صاحب و دارنده حق، بخشی مظلوم و مغفول از دیدگان پژوهشگران و صاحب نظران حقوقی واقع شده است و متأسفانه مبحث نام که جزئی از ستون صاحب و دارنده محسوب می‌شود صرفاً امری تزئینی تلقی شده و کمتر به آن نگاه و رویکرد علمی شده است. به نظر می‌رسد که با عنایت خداوند این تحقیق بتواند تا حدودی نگاه‌ها و تعارضات شعار زده و احساسی بدون آنکه در مدار منطق و علم باشد که به امر نام و مسائل مربوط به آن اعم از تعیین و تغییر و... از سوی مراجع صلاحیت دار و متولی در این زمینه و مردم وجود دارد، بزدايد و مسأله نام و مباحث مرتبط با آن منطبق با سیستم‌های مدرن حقوقی دنیا گردد و در ریل علمی خود قرار گیرد.

#### اهداف تحقیق:

هدف اصلی این تحقیق این نکته است که ثبت گردد، نام در زمره دارایی غیر مالی افراد است و افراد بر آن مالکیت دارند و حال که انتخاب آن توسط افراد صلاحیت دار به دلیل نداشتن اهلیت استیفا فرد تازه متولد شده امری اجتناب‌ناپذیر است، بایستی تغییر آن به صورت ضابطه مند و عقلانی برای یک بار در زمانی که افراد به سن مجاز و قانونی بالغ می‌گردند، به رسمیت شناخته شود و البته در مرحله و گام تعیین نام هم چه

از سوی اعلام‌کنندگان و چه از سوی فرد در مرحله تغییر، به انتخاب افراد توسط نهادهای ذی ربط متولی احترام گذاشته شود و نام‌های ممنوعه مضیق گردد؛ ضمن اینکه همه‌ی این اهداف دارای مبانی قانونی و علمی داخلی و بین‌المللی است که ظرفیت‌ها و بسترهای حقوقی آن فراهم است، اما مجریان قوانین بدان کمتر توجه می‌کنند.

### سوالات و فرضیه‌های تحقیق:

۱= آیا تغییر نام در مرحله‌ای که افراد به اهلیت استیفا می‌رسند، یک قاعده و اصل حقوقی با تلقی گردد و یا یک استثنا؟

۲= در سیستم حقوقی ایران، نامگذاری بر چه اساس و مبنایی صورت می‌گیرد؟

۳= آیا با توجه به سراحتم که در قانون مدنی مبنی بر اینکه تغییر در مندرجات اسناد سجلی و اوراق هویتی تنها به امر محکمه ممکن است، رویه‌ای که اکنون حاکم است و از این امر قضا‌زدایی شده است و این صلاحیت در اختیار سازمان ثبت احوال گذاشته است، قانونی و معتبر است یا نه؟

فرضیه نخست: به نظر می‌رسد که مثل با سایر سیستم‌های مدرن قانونی در دنیا تغییر البته به صورت ضابطه مند در زمانی که افراد به اهلیت استیفا می‌رسند بایستی یک قاعده و عرف حقوقی بدیهی باشد و نه یک استثنای که مضیق و محدود تفسیر شود و مضر به حال حقوق شهروندان محسوب گردد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد که در سیستم حقوقی ایران نامگذاری بر اساس و مبنای ولایت صورت می‌گیرد و چنانچه در این فرآیند مصلحت رعایت و ولی علیه رعایت نگردد، بهتر است که در نظام حقوقی تدبیری همچون تغییر، پیشینی گردد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد، علی‌رغم اینکه سازمان ثبت احوال در راستای تایید صلاحیت خود نسبت به تغییر مندرجات اسناد سجلی هویتی ادعا می‌کنند که این امر به نفع شهروندان است و قضا‌زدایی از این مساله باعث می‌شود که شهروندان معطل راه روهای دادگاه‌ها نگردند و صرفه جویی در وقت آنان و دستگاه قضا گردد، اما این امر قضا‌زدایی بر خلاف تئوری تفکیک قوا بوده و یک امر فراقانونی و مغایر با نه تنها نص قانون، بلکه روح قانون هم است.

## روش و ساختار تحقیق:

پژوهش حاضر در دو فصل تنظیم و تحریر گردیده است که فصل نخست آن به «مفهوم نام» و در قالب سه مبحث به ترتیب به مقولات «تعریف، تاریخچه و کارکرد»، «حق بر نام»، «اقسام، مقایسه با نهادهای مشابه و ساختار نام» پردازش‌هایی صورت خواهد گرفت، چرا که به قول سیدنی هوک<sup>۱</sup> پیش از آنکه بگوییم این پروتوس بود که سزار را کشت، باید چیزی در مورد بیولوژی مرگ و خواص ابزارهای کشته بدانیم. فصل دوم نیز که تکه اصلی پژوهش در رابطه با آن است به «تعیین و تغییر نام» در قالب دو مبحث جزا به ترتیب به تبیین مقولات «تعیین نام» و «تغییر نام» خواهد پرداخت.

روش تحقیق به صورت تحلیلی و توصیفی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای است و گردآوری اطلاعات هم به صورت فیش برداری از کتب، نشریه‌ها و مقالات دانلود شده از سایت‌های مرتبط خواهد بود. هرچند که مصاحبه با صاحب نظران این عرصه و استفاده از مشاهدات تجربیان میدانی هم قطعاً جزء منابع تحقیق محسوب می‌گردد.

<sup>۱</sup>Sidney Hook

۲. هوک، سیدنی، قهرمانی در تاریخ، صفحه ۲۲۴